



A Study on the Proprietary Value of “Cryptocurrencies” with a look at the jurisprudential thought of Imam Khomeini (RA)

Dr. Javad Soltanifard 

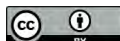
Assistant Professor, Department of Fiqh and Islamic Law, Shahid Motahari University, Tehran, Iran

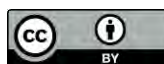
Email: j.soltanifard@motahari.ac.ir

Abstract

One of the emerging forms of money that has attracted increasing attention in contemporary global economic transactions is cryptocurrency. Due to its novelty, numerous ambiguities surround the nature of cryptocurrency and give rise to confusion within society. One of the central obstacles to the legal (*shar'i*) legitimacy of cryptocurrency transactions lies in the requirement that both countervalue in a sale possess proprietary value. The present study uses a descriptive-analytical method and emphasizes the views of Imam Khomeini. The study concludes that: First, proprietary value is a customary and abstract concept grounded in rational demand. Second, cryptocurrencies satisfy the criterion of proprietary value, as their transactional convenience has resulted in steadily increasing global demand, thereby warranting their classification as property. And third, that the lawmaker cannot strip an object of its proprietary value as such, but may only bar the legal consequences of property from taking effect (for example, the transfer of ownership in the case of wine). Accordingly, contrary to the views of some jurists, the absence of prohibition does not count as an essential element of its proprietary value.

Keywords: proprietary value; property; exchange value; cryptocurrency; digital currency; Imam Khomeini





پژوهشی پیرامون مالیت «رمزارها» با نگاهی بر اندیشه فقهی امام خمینی (ره)



دکتر جواد سلطانی فرد

استادیار گروه فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهید مطهری (ره)

Email: j.soltanifard@motahari.ac.ir

چکیده

«رمزارها» به سبب نوظهور بودن، با ابهامات فقهی متعددی مواجه‌اند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، بررسی تحقق شرط «مالیت» به عنوان یکی از ارکان صحت بیع است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با تمرکز بر اندیشه فقهی امام خمینی (ره)، به بررسی امکان احراز مالیت رمزارها می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد: نخست آنکه مالیت مفهومی عرفی و به معنای برخورداری از ارزش مبادلی است که ریشه در رغبت دست‌کم بخشی از عقلا به یک چیز دارد؛ و دوم آنکه این معیار در مورد رمزارها محقق است، زیرا استقبال گسترده، حجم قابل توجه معاملات و کارکردهای اقتصادی متمایز آن‌ها -همچون انتقال سریع و کم‌هزینه، شفافیت بالا و مقاومت نسبی در برابر مصادره- به روشنی از تحقق ارزش مبادلی آن حکایت دارد. بر این اساس، رمزارها مصداق «مال» به شمار می‌آیند. با این حال، احراز مالیت به تنهایی برای مشروعیت معاملات رمزاری کافی نیست، بلکه صحت شرعی این معاملات منوط به فقدان موانع فقه فردی (مانند ضرر و غرر) و رعایت ملاحظات و ضوابط حکومتی (مانند قاعده نفی سبیل) خواهد بود.

واژگان کلیدی: مالیت، مال، ارزش مبادلی، رمزار، ارز دیجیتال، امام خمینی (ره).

مقدمه

تحولات شتابان زندگی بشر و دگرگونی الگوهای زیست فردی و اجتماعی، همواره مسائل نوپدید را پیش‌روی فقه اسلامی قرار داده است؛ مسائلی که پاسخ‌گویی به آن‌ها مستلزم بازخوانی مبانی استنباط و تطبیق قواعد کلی فقه بر مصادیق جدید است. یکی از مهم‌ترین نمودهای این تحولات، گذار تدریجی جوامع از زندگی سنتی به زندگی دیجیتال و شکل‌گیری مناسبات اقتصادی در بستر فضای الکترونیک است؛ بستری که در آن، مفاهیم کلاسیکی همچون دارایی، پول و مبادله با چهره‌هایی نوظهور بازتعریف می‌شوند.

در این میان، پیدایش «ارزهای دیجیتال» یا به تعبیر دقیق‌تر «رمزارها» به‌عنوان ابزارهایی مبتنی بر فناوری رمزنگاری و بلاک‌چین، چالشی جدی برای نظام‌های فقهی و حقوقی ایجاد کرده است. رمزارها که برخلاف پول‌های رایج، فاقد نهاد صادرکننده متمرکز بوده و معمولاً از ساختاری غیرمتمرکز برخوردارند، امکان انجام یافتن تراکنش‌های مالی سریع، کم‌هزینه و فرامرزی را فراهم ساخته‌اند. گسترش چشمگیر استفاده از این دارایی‌های نوین و افزایش قابل‌توجه حجم معاملات آن‌ها در سطح جهانی، نشان می‌دهد که رمزارها به تدریج در حال تبدیل شدن به یکی از عناصر اثرگذار در مناسبات اقتصادی معاصر هستند.

با این حال، برای آنکه رمزارها بتوانند در چارچوب ضوابط فقهی، در بازار مورد معامله قرار گیرند، نخست باید وضعیت آن‌ها از حیث «مالیت» روشن شود؛ چراکه مالیت از شروط اساسی صحت بیع به شمار می‌آید. پرسش اصلی آن است که آیا رمزارها، با توجه به ماهیت غیرمادی خود، و وجود چالش‌هایی همچون نبود رغبت عمومی، بی‌پشتوانه بودن و فقدان تضمین و مسئولیت قانونی، واجد عنوان «مال» در فقه امامیه هستند یا خیر. این پرسش، نقطه تلاقی مباحث فقهی سنتی با واقعیت‌های اقتصادی و فناورانه عصر حاضر است و پاسخ به آن، آثار مهمی در مشروعیت یا عدم مشروعیت معاملات رمزاری به دنبال دارد.

در این زمینه، دیدگاه‌های مختلفی در میان فقها و پژوهشگران مطرح است؛ برخی با تأکید بر نوظهور بودن و مخاطرات اقتصادی رمزارها، در مالیت آن‌ها تردید کرده‌اند و برخی دیگر، با تکیه بر معیارهای عرفی و عقلایی، مالیت آن‌ها را پذیرفته‌اند. با وجود این، آنچه در پژوهش‌های پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته، تحلیل دقیق مفهوم «مال» و «مالیت» بر اساس مبانی فقهی و به‌ویژه اندیشه امام خمینی(ره) و سپس تطبیق منسجم این مبانی بر پدیده رمزارهاست.

ازاین‌رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با روش توصیفی-تحلیلی، ابتدا به بازشناسی مفهوم مالیت در فقه امامیه با تمرکز بر مبنای عرفی مورد تأکید امام خمینی(ره) بپردازد و سپس با بررسی کارکردها، ویژگی‌ها و واقعیت‌های اقتصادی رمزارها، امکان انطباق آن‌ها با معیارهای مالیت را ارزیابی کند. اهمیت این پژوهش از آن جهت است که می‌تواند ضمن شفاف‌سازی یکی از بنیادی‌ترین پیش‌فرض‌های فقهی معاملات

رمزارزی، زمینه را برای داوری دقیق‌تر درباره مشروعیت یا عدم مشروعیت این معاملات و نیز طراحی سیاست‌های فقهی و حقوقی متناسب با شرایط نوین فراهم سازد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. رمزارز^۱

«رمزارز» به یک نمایش دیجیتالی از ارزش^۲ اطلاق می‌شود که از رمزنگاری^۳ برای ایمن‌سازی تراکنش‌ها، کنترل ایجاد واحدهای جدید و تأیید انتقال دارایی استفاده می‌کند. برخلاف پول‌های سنتی (فیات)^۴ که توسط دولت‌ها و بانک‌های مرکزی صادر و تنظیم می‌شوند، رمزارزها معمولاً فاقد یک نهاد صادرکننده مرکزی بوده و ساختاری غیرمتمرکز یا نیمه‌متمرکز دارند؛ به این معنا که برای ثبت و اعتبارسنجی تراکنش‌ها الزاماً به یک مرجع مرکزی مانند بانک متکی نیستند. پشتوانه فناورانه بیشتر رمزارزها، زنجیره بلوکی یا بلاک‌چین^۵ است. بلاک‌چین یک دفتر کل توزیع‌شده^۶ و عموماً غیرمتمرکز است که کلیه تراکنش‌ها در آن ثبت و توسط شبکه‌ای از رایانه‌ها (گره‌ها)^۷ نگهداری و تأیید می‌شود. این ساختار، سابقه تراکنش‌ها را شفاف، تغییرناپذیر و در برابر دستکاری مقاوم می‌سازد. ایجاد واحدهای جدید یک رمزارز، بسته به طراحی فنی سیستم، ممکن است از طریق روش‌های مختلفی صورت پذیرد؛ از جمله فرآیندی به نام «استخراج»^۸ که در آن رایانه‌های شبکه با حل مسائل ریاضی پیچیده به تأیید تراکنش‌ها و ایجاد واحدهای جدید کمک می‌کنند، یا سایر مکانیزم‌های فنی که توسط پروتکل رمزارز تعیین شده‌اند.^۹

رمزارزها از منظر ساختار فنی به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

أ. کوین:^{۱۰}

رمزارزی است که دارای بلاک‌چین اختصاصی خود است و بر روی این زیرساخت مستقل اجرا می‌گردد. از معروف‌ترین کوین‌ها می‌توان به «بیت‌کوین»^{۱۱} اشاره کرد که نخستین پیاده‌سازی عملی فناوری

1. Cryptocurrency

2. Digital Representation of Value

3. Cryptography

4. Fiat Currency

5. Blockchain

6. Distributed Ledger

7. Nodes

8. Mining

9. <https://www.kaspersky.com/resource-center/definitions/what-is-cryptocurrency>.

10. Coin

11. Bitcoin

بلاک چین محسوب می شود. هر رمزارزی که پس از بیت کوین روانه بازار شده است، «آلت کوین»^{۱۲} یا «کوین جایگزین» نامیده می شود. آلت کوین ها تنوع فنی گسترده ای دارند؛ برخی از آن ها از نظر سرعت تراکنش، هزینه کارمزد یا حریم خصوصی ممکن است بر برخی جنبه های بیت کوین برتری داشته باشند، هر چند نمی توان به صورت کلی ادعا کرد که همه آن ها از بیت کوین «امن تر» یا «بهرتر» هستند - چرا که امنیت یک شبکه تابع عوامل متعددی از جمله اندازه شبکه و مکانیزم اجماع^{۱۳} آن است. کوین ها هر کدام به کیف پول اختصاصی با آدرس منحصر به فردی نیاز دارند که در بلاک چین مربوط به خود قرار گرفته است؛ برای مثال کیف پول بیت کوین و اتریوم^{۱۴} کاملاً از هم مجزا بوده و نمی توان دارایی بیت کوین را به آدرس اتریوم ارسال کرد. ایجاد واحدهای جدید کوین ها بسته به طراحی پروتکل شبکه ممکن است از طریق «استخراج» (در سیستم های مبتنی بر اثبات کار^{۱۵}) یا سایر مکانیزم های اجماع مانند اثبات سهام^{۱۶} صورت پذیرد.^{۱۷} یکی از مشخصه های کلیدی برخی کوین ها این است که به عنوان واسطه مبادله^{۱۸} طراحی شده اند، هر چند همه کوین ها لزوماً با این هدف ایجاد نشده اند - برخی عمدتاً برای پرداخت کارمزد شبکه یا اهداف فنی خاص طراحی شده اند. همچنین بسیاری از کوین ها دسترسی عمومی دارند و محدود به گروه خاصی از افراد نیستند.^{۱۹}

ب. توکن:^{۲۰}

نوع دیگری از رمزارز است که بلاک چین مستقل ندارد و بر روی زیرساخت یک بلاک چین میزبان از پیش موجود مانند بایننس اسمارت چین^{۲۱} ساخته می شود و از پروتکل ها و استانداردهای آن بلاک چین پیروی می کند. به عبارت دیگر، توکن ها برای تأیید تراکنش ها و امنیت خود، کاملاً به شبکه بلاک چین

۱۲. «آلت کوین» (Altcoin) ترکیبی از دو کلمه «آلترناتیو» (Alternative) به معنای جایگزین و «کوین» (Coin) به معنای سکه یا ارز است. به تمام رمزارزها به جز بیت کوین، آلت کوین گفته می شود.

13. Consensus Mechanism

14. Ethereum

15. Proof of Work

16. Proof of Stake

۱۷. باید توجه داشت که برخلاف تصور رایج، همه کوین ها از طریق فرآیند استخراج ایجاد نمی شوند. دسته ای از کوین ها، غیرقابل استخراج هستند. این دارایی ها عموماً از پیش تولید و عرضه شده اند و کاربران تنها می توانند آنها را از طریق صرافی ها (اکسچنج ها) یا سایر بازارهای ثانویه خریداری کنند. مکانیسم ایجاد این کوین ها بر پایه الگوریتم های اجماعی مانند «اثبات سهام» است که نیازی به حل مسائل محاسباتی انرژی بر (ماینینگ) ندارد. از جمله کوین های معروف غیرقابل استخراج می توان به QTUM، NEM، EOS، XRP و LISK اشاره کرد.

18. Medium of Exchange

۱۹. نک: حاجی ملایری، بلاک چین، ۴۸؛ مور، ارز دیجیتال برای مبتدیان، ۲۱؛ جودمایر و همکاران، بلاک چین، ۴۳؛ فضلی و همکاران، بلاک چین و رمزارزها، ۴۶.

20. Token

21. Binance Smart Chain

اصلی (که کوین مخصوص به خود را دارد) وابسته هستند. توکن‌ها معمولاً برای پروژه‌ای خاص صادر شده و در اکوسیستم آن پروژه کارکردهای مشخصی ایفا می‌کنند. برای درک بهتر، می‌توان آن را به بلیت سینما در دنیای فیزیکی تشبیه کرد: بلیت سینما تنها در محل و زمان مشخصی ارزش کاربردی دارد و نمی‌توان با آن پول غذای رستوران را پرداخت؛ به همین ترتیب، برخی توکن‌ها مانند توکن‌های کاربردی^{۲۲} تنها در اکوسیستم خاصی کاربرد دارند و حق دسترسی به خدمات یا محصولات یک پلتفرم را فراهم می‌کنند. با این حال، توکن‌ها تنوع کارکردی گسترده‌ای دارند؛ از جمله توکن‌های امنیتی^{۲۳} که نماینده سهام، اوراق قرضه یا سایر ابزارهای مالی بوده و تحت قوانین بازار سرمایه قرار می‌گیرند، و توکن‌های غیرمثلی^{۲۴} که نماینده دارایی‌های دیجیتال منحصر به فرد و غیرقابل تقسیم هستند. توکن‌ها معمولاً از طریق رویدادهای جمع‌سپاری مانند عرضه اولیه سکه^{۲۵} یا عرضه اولیه صرافی^{۲۶} ایجاد و توزیع می‌شوند و خود قابل استخراج نیستند. با این حال، توزیع آن‌ها می‌تواند در قالب مکانیسم‌های پاداش‌دهی متنوعی صورت پذیرد. برای نمونه، در برخی اکوسیستم‌ها مانند بازی‌های «کسب درآمد»^{۲۷} نظیر همستر کامبت^{۲۸}، کاربران با صرف منابع محاسباتی یا زمان خود در محیط برنامه، توکن‌های از پیش تعریف شده را به عنوان پاداش دریافت می‌کنند. این فرآیند اگرچه در ادبیات عامه گاهی «استخراج» نامیده می‌شود، اما یک فعالیت درون‌پروتکلی و مبتنی بر قواعد قرارداد هوشمند است و برخلاف استخراج سنتی، تأمین امنیت یک شبکه بلاک‌چین مستقل را بر عهده ندارد. به دلیل استفاده از زیرساخت موجود، توکن‌ها معمولاً سریع‌تر و با هزینه کمتری نسبت به ایجاد یک کوین جدید راه‌اندازی می‌شوند. خرید توکن‌ها معمولاً با کوین‌های پایه (مانند اتریوم) یا پول فیات انجام می‌شود و این دارایی‌ها از طریق صرافی‌های دیجیتال^{۲۹} به یکدیگر و به پول سنتی قابل تبدیل هستند.^{۳۰}

با وجود تنوع گسترده توکن‌ها، دسته‌بندی واحد و مورد اجماع جهانی برای آن‌ها وجود ندارد. نهادهای ناظر مالی در کشورهای مختلف، از جمله کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا^{۳۱} و سازمان نظارت بر بازارهای مالی سوئیس^{۳۲}، توکن‌ها را نه بر اساس ساختار فنی، بلکه با توجه به کارکرد اقتصادی و آثار

22. Utility Tokens

23. Security Tokens

24. NFTs / Non-Fungible Tokens

25. ICO

26. IEO

27. Play-to-Earn

28. Hamster Kombat

29. Cryptocurrency Exchanges

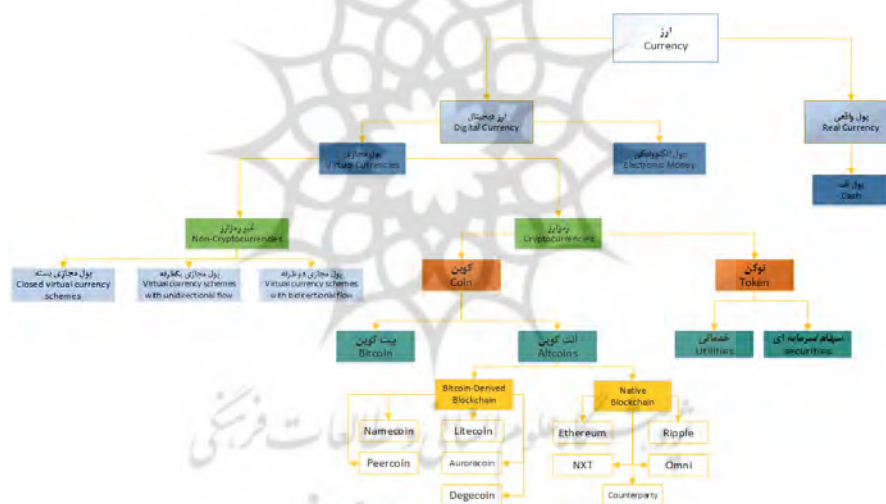
30. <https://www.coinbase.com/learn/crypto-basics/what-is-a-token>

31. SEC

32. FINMA

حقوقی آن‌ها ارزیابی می‌کنند. بر این اساس، توکن‌ها عمدتاً به سه دسته تقسیم می‌شوند: (۱) توکن‌های پرداختی که وظیفه پول را ایفا می‌کنند؛ (۲) توکن‌های کاربردی که دسترسی به خدمات دیجیتال را فراهم می‌سازند؛ و (۳) توکن‌های سرمایه‌ای که نماینده حقوق مالی مانند سهام یا سود هستند و مشمول قوانین بازار سرمایه می‌شوند.^{۳۳}

با توجه به تحلیل مفهومی رمزارها و تقسیم‌بندی آن‌ها به «کوین» و «توکن» در بخش پیشین، برای درک جایگاه این دارایی‌ها در نظام گسترده‌تر ابزارهای مالی، برخی پژوهشگران چارچوبی طبقه‌بندی شده از انواع ارزها ارائه کرده‌اند.^{۳۴} در این چارچوب، رمزارها به‌عنوان یکی از اشکال «ارز دیجیتال» و به‌طور خاص «پول مجازی»، در کنار سایر دسته‌بندی‌های ارزی قرار می‌گیرند. نمودار پیش‌رو، بر اساس این دیدگاه، تلاش دارد طبقه‌بندی ساختاریافته‌ای از انواع ارزها ارائه دهد که می‌تواند به درک دقیق‌تر موقعیت رمزارها در چشم‌اندازی گسترده‌تر کمک کند.



نمودار ۱/ دسته‌بندی انواع ارز

33. <https://www.finma.ch/en/news/2018/02/20180216-mm-ico-wegleitung>.

۳۴. حاجی ملامیرزایی، بلاک‌چین، ۴۸.

۱.۲. مال

أ. مال در لغت: «مال» اجوف واوی از ریشه «مول» بوده و جمع مکسر آن «اموال» است.^{۳۵} شماری از واژه‌شناسان، همچون فراهیدی، جوهری و فیومی، مال را مفهومی شناخته‌شده و بی‌نیاز از تعریف دانسته‌اند و تنها به برخی مصادیق آن اشاره کرده‌اند.^{۳۶} ابن‌منظور در لسان‌العرب، ضمن اشاره به معروف بودن معنای مال، آن را به چیزی که قابلیت تملک داشته باشد تعریف کرده است.^{۳۷} ابن‌اثیر نیز بر این باور است که مال در آغاز به آنچه انسان از طلا و نقره مالک می‌شد اطلاق می‌گردید، اما سپس مفهومی عام‌تر یافت و همه اشیای در مالکیت انسان را دربرگرفت.^{۳۸} ابن‌واژه در میان عرب بیشترین کاربرد را درباره شتر داشته؛ زیرا شتر یا بخش اصلی دارایی آن‌ها محسوب می‌شد.^{۳۹} یا وسیله‌ای برای حمل اموال‌شان بود. از این مطالب روشن می‌شود کسانی که در تعریف مال به شتر اشاره کرده و گفته‌اند: «الْمَالُ مَعْرُوفٌ وَ هُوَ عِنْدَ الْعَرَبِ الْإِبِلُ»^{۴۰}، در واقع به مصداق غالبی و آشکار مال پرداخته‌اند و چنین تعاریفی به محدود کردن مفهوم مال نمی‌انجامد؛ زیرا در غیر این صورت لازم می‌آمد که از نظر عرب، مال تنها بر اعیان -و آن هم فقط بر شتر- صدق کند که بطلان این دیدگاه آشکار است.

ب. مال در اصطلاح: در میان فقهاء، بسیاری به دلیل روشن بودن مفهوم «مال»، چندان در پی بازشناخت عناصر تشکیل‌دهنده آن یا ارائه تعریف دقیقی از آن نبوده‌اند. با این حال، دانشمندانی که به تبیین ماهیت مال پرداخته‌اند، در این زمینه با یکدیگر اتفاق نظر نداشته و هریک معیارها و ویژگی‌هایی را برای آن برشمرده‌اند.^{۴۱} با جست‌وجو در کلام آنان، می‌توان مهم‌ترین ملاک‌های ذکرشده برای مال را به این شکل جمع‌بندی کرد و گفت: مال، اعتباری عقلایی است^{۴۲} که تکویناً قابلیت ذخیره‌سازی^{۴۳} و از نظر عقلاً قابلیت اقتناء (نگهداری)^{۴۴} و اختصاص^{۴۵} دارد و از منفعت عقلایی برخوردار است^{۴۶} که در اثر آن عقلاً

۳۵. ابن‌منظور، لسان‌العرب، ۶۳۵/۱۱. برخی به اشتباه «مال» را اجوف یانی و از ریشه «میل» به معنای «برگردیدن و عدول به یک طرف» دانسته و وجه تسمیه متعلقات انسان به مال را از آن نظر دانسته‌اند که مال پیوسته مانل و زائل است و از این گروه به آن گروه میل می‌کند (نک: راغب‌اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۷۸۳ و ۷۸۴؛ جعفری‌لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ۶۲۲)، حال آنکه مال اجوف واوی است نه یانی.

۳۶. فراهیدی، کتاب‌العین، ۳۴۴/۸؛ جوهری، الصحاح، ۱۸۲۱/۵؛ فیومی، المصباح‌المنیر، ۵۸۶/۲.

۳۷. ابن‌منظور، لسان‌العرب، ۶۳۵/۱۱.

۳۸. ابن‌اثیر، النهاية، ۳۷۳/۴.

۳۹. ابن‌اثیر، النهاية، ۳۷۳/۴.

۴۰. صاحب‌بن‌عباد، المحيط فی اللغة، ۳۵۸/۱۰.

۴۱. برای بررسی تفصیلی دیدگاه‌ها در این زمینه، به مقاله «بازی‌پوهی معناشناختی مال از منظر فقه امامیه» از نگارنده مراجعه شود.

۴۲. حکیم، نهج‌الفقاهه، ۳۲۵/۱.

۴۳. خویی، مصباح‌الفقاهه، ۳/۲.

۴۴. نایینی، المکاسب و البیع، ۳۶۴/۲ و ۳۶۵.

۴۵. مطهری، نظری به نظام اقتصادی اسلام، ۶۲ و ۶۳؛ نک: کاتوزیان، اموال و مالکیت، ۹.

به دلیل رفع نیازهای دنیوی و اخروی خود^{۴۷} بدان میل و رغبت دارند^{۴۸}. گفتنی است فرقی ندارد که نیازهای انسان به مال، بالذات (مانند غذا) باشد یا بالعرض (مانند پول)^{۴۹}. همچنان که فرقی ندارد نیاز بالذات، اولی باشد (مانند غذا) یا ثانوی (مانند دوا) یا اساساً رفاهی و برای به دست آوردن لذت باشد (مانند بعضی از میوه ها)^{۵۰}. باید توجه داشت که صرف موارد گفته شده، برای مال بودن چیزی کافی نیست، بلکه دو شرط دیگر نیز لازم است: اول آنکه، آن چیز نباید به گونه ای باشد که به سبب فراوانی اش همچون آب در کنار رودخانه^{۵۱} یا به دلیل کمی آن همچون یک دانه گندم^{۵۲} عقلاً حاضر به پرداخت مال در مقابلش نباشند. دوم آنکه، نباید در شریعت از آن چیز نهی شده باشد (مانند شراب)^{۵۳}.

۲. بررسی دیدگاه امام خمینی (ره) در مسئله

با اینکه از نظر برخی از فقها مال چیزی است که دارای منفعت عقلایی (مقصودة للعقلاء) یا منفعت درخور اعتنا (معتد بها) باشد،^{۵۴} امام خمینی در تعریف از مال، ملاک «مورد رغبت عقلاً بودن» را محور قرار داده است. به نظر ایشان، مال آن چیزی است که عقلاً بدان میل و رغبت داشته باشند (ما یرغب فیه العقلاء) و در قبال آن حاضر به پرداخت بها باشند.^{۵۵}

به نظر می رسد ملاک «مورد رغبت عقلاً بودن» از مشخصه «منفعت عقلایی داشتن» دقیق تر و جامع تر باشد؛ زیرا صرف برخورداری از منفعت عقلایی برای تحقق مالیت کافی نیست. برای نمونه، هوا با آنکه دارای منفعت عقلایی و بلکه حیاتی است، در عرف مال محسوب نمی شود و در شرایط عادی - که در دسترس همگان قرار دارد - کسی حاضر نیست برای تحصیل آن عوضی بپردازد. از این رو، افزون بر وجود منفعت عقلایی، عواملی همچون کمیابی و ندرت نسبی نیز در تحقق رغبت و در نتیجه مالیت دخیل اند. از همین جا، مسئله نسبت میان «منفعت» و «رغبت» به عنوان دو عنصر کلیدی در تحقق مالیت، به طور

۴۶. شهیداول، الدروس، ۱۶۷/۳؛ مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة، ۵۳/۸؛ حسینی عاملی، مفتاح الکرامة، ۸/۱۳؛ صاحب جواهر، جواهر الکلام، ۳۴۳/۲۲؛

انصاری، کتاب مکاسب، ۹/۴؛ نایینی، مکاسب و البیع، ۳۶۴/۲ و ۳۶۵.

۴۷. ایروانی، حاشیه مکاسب، ۱۶۵/۱.

۴۸. خمینی، کتاب البیع، ۳۷/۱؛ خمینی، البیع، ۲۸۳/۱؛ حکیم، نهج الفقاهة، ۳۲۵/۱.

۴۹. ایروانی، حاشیه مکاسب، ۱۶۵/۱.

۵۰. حکیم، نهج الفقاهة، ۳۲۵/۱.

۵۱. نایینی، مکاسب و البیع، ۳۶۴/۲ و ۳۶۵؛ حکیم، نهج الفقاهة، ۳۲۵/۱.

۵۲. نایینی، مکاسب و البیع، ۳۶۴/۲ و ۳۶۵.

۵۳. نایینی، مکاسب و البیع، ۳۶۴/۲ و ۳۶۵.

۵۴. نک: شهیداول، الدروس، ۱۶۷/۳؛ مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة، ۵۳/۸؛ حسینی عاملی، مفتاح الکرامة، ۸/۱۳؛ صاحب جواهر، جواهر الکلام،

۳۴۳/۲۲؛ انصاری، کتاب مکاسب، ۹/۴؛ نایینی، مکاسب و البیع، ۳۶۴/۲ و ۳۶۵.

۵۵. خمینی، کتاب البیع، ۳۷/۱؛ خمینی، البیع، ۲۸۳/۱.

جدی مطرح می‌شود.

۱.۲. نسبت منفعت و رغبت

در تبیین این نسبت، برخی بر این باورند که اساساً معیار تشخیص مالیت، وجود رغبت است نه منفعت؛ زیرا ممکن است چیزی همچون سیگار فاقد منفعت باشد - بلکه حتی ضرر محض تلقی شود - اما به سبب رغبت مردم، مال محسوب گردد. این گروه معتقدند منفعتی که در این گونه موارد فرض می‌شود، منفعتی موهوم است، نه واقعی، و عقل آن را تصدیق نمی‌کند.^{۵۶}

در برابر این دیدگاه، این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان موردی را تصور کرد که فاقد هرگونه منفعت باشد اما مورد رغبت واقع شود و مالیت پیدا کند؟ به نظر می‌رسد پاسخ منفی است؛ زیرا رغبت، تابع منفعت است و تحقق رغبت بدون فرض نوعی منفعت - هرچند شخصی - قابل تصور نیست. در مثال سیگار نیز می‌توان گفت مصرف آن برای خریدار دارای منفعت روحی است؛ چراکه موجب آرامش خاطر یا ارضای نوعی میل روانی می‌شود. پیش‌تر نیز اشاره شد که مفهوم منفعت، مفهومی موسع است: گاه در رفع نیازهای اولیه نقش دارد (مانند خوراک)، گاه در رفع نیازهای ثانویه (مانند دارو) و گاه صرفاً از باب لذت‌بردن است.

شهید مطهری نیز در تعریف مال به همین گستردگی مفهوم منفعت اشاره کرده و می‌گوید: «ثروت یا مال عبارت است از هر چیزی که یکی از حوایج طبیعی یا اعتباری، ضروری یا تجملی بشر را برآورد».^{۵۷} بر این اساس، می‌توان گفت حتی در مواردی مانند سیگار، هرچند مصرف آن در واقع برای بدن زیان‌بار است، اما از آنجا که مصرف‌کننده آن را واجد منفعت می‌پندارد، همین تصور منفعت منشأ رغبت و در نتیجه مالیت می‌شود. از این رو، منفعت را باید اعم از منفعت واقعی و منفعت موهوم دانست.

۲.۲. نقدی بر تفکیک رغبت از منفعت در کلام امام

از این منظر، می‌توان اشکالی را نسبت به برخی عبارات امام خمینی مطرح کرد؛ آنجا که ایشان بیان می‌دارد که اگر چیزی مطلقاً منفعت نداشته باشد، اما در خرید و نگهداری آن غرضی سیاسی یا غیرسیاسی از اغراض عقلایی وجود داشته باشد، همین غرض موجب رغبت و در نتیجه مالیت آن می‌شود.^{۵۸} این بیان قابل تأمل به نظر می‌رسد؛ زیرا اگر نسبت به چیزی رغبت شکل گرفته باشد، همین امر کاشف از وجود نوعی منفعت در آن است؛ خواه این منفعت ذاتی باشد، خواه عارضی، یا حتی رفاهی و تجملی. بنابراین، به

۵۶. ترابی، تقریرات درس خارج فقه، ۱۳۹۹/۰۹/۱۸.

۵۷. مطهری، نظری به نظام اقتصادی اسلام، ۴۴.

۵۸. خمینی، مکاسب المحرمه، ۱/۱۶۴.

نظر می‌رسد نمی‌توان رغبت را مستقل از منفعت تصور کرد، بلکه وجود رغبت خود نشانه‌ای از تحقق منفعت است.

البته باید توجه داشت که هر منفعتی لزوماً به تحقق رغبت نمی‌انجامد؛ زیرا ممکن است چیزی منفعت داشته باشد، اما به سبب فراوانی و سهولت دسترسی، رغبتی به تحصیل آن وجود نداشته باشد؛ مانند آب در کنار رودخانه.^{۵۹} از این رو، وجود منفعت عقلایی را باید شرط لازم مالیت دانست، نه شرط کافی.

۳.۲. شخصی بودن یا نوعی بودن منفعت عقلایی

با فرض اینکه منفعت عقلایی شرط لازم برای مالیت است، این پرسش مطرح می‌شود که آیا این منفعت باید نوعی (عمومی و فراگیر) باشد، یا منفعت شخصی نیز برای تحقق عنوان «منفعت عقلایی» کفایت می‌کند؟ به نظر می‌رسد وجود منفعت شخصی کافی است؛ چرا که دلیلی برای سلب احکام مالیت از موارد دارای منفعت شخصی وجود ندارد. توضیح آنکه باید میان شخصی بودن و نوعی بودن، و نیز میان عقلایی بودن و غیرعقلایی بودن تفکیک کرد. اگر مقصود از منفعت عقلایی، فراگیری آن در میان همه عقلای باشد، چنین قیدی نمی‌تواند در تحقق مالیت معتبر باشد؛ زیرا ممکن است شخصی برای تحصیل یادگاری خاص، که نزد دیگران بی‌ارزش است، هزینه قابل توجهی بپردازد و این رفتار نزد عقلا تخطئه نشود.^{۶۰} اما اگر مراد از عقلایی بودن، غیرسفهی بودن رفتار است - هر چند شخصی باشد - چنین معیاری قابل پذیرش است.^{۶۱} شاهد بر این مطلب آن است که اگر برای مالیت چیزی وجود منفعت فراگیر ملاک باشد، عنوان مالیت از چیزهای بسیاری که مال بودن آن‌ها مسلم است سلب خواهد شد؛ مانند غذاها و میوه‌های برخی از مناطق جهان که بسیار یا بخشی از مردم دیگر مناطق از آن‌ها مشمئز و متنفرند یا بعضی از لباس‌ها که برای برخی از مردم پوشش مطلوب به شمار می‌آید، در حالی که در جایی دیگر کسی حاضر به پرداخت بهایی برای به دست آوردن آن‌ها نیست.^{۶۲}

از همین روست که امام خمینی در این باره می‌نویسد: «بر فرض که در صدق بیع، مالیت عوضین معتبر باشد، شرط نیست که نزد نوع عرف مال باشد، بلکه اگر شیء در نگاه گروهی یا در ناحیه‌ای دارای خاصیت

۵۹. از همین جا روشن می‌شود پول - که امری اعتباری است - هر چند فاقد ارزش مصرفی است، اما ارزش مبادلاتی آن نیز بر پایه نوعی منفعت عقلایی استوار است؛ منفعتی که در کارکرد مبادلاتی آن نهفته است. پول به عنوان وسیله مبادله، مورد نیاز عقلا در تنظیم روابط اقتصادی است و همین کارکرد، منشأ رغبت عمومی به آن و در نتیجه سبب تحقق مالیت و ارزش مبادلاتی آن می‌شود.

۶۰. منتظری، در اسات فی المکاسب، ۴۲۳/۲.

۶۱. نک: سلطانی‌فرد و دیگران، «بازپژوهی معناشناختی مال از منظر فقه امامیه»، ۱۸۳ به بعد.

۶۲. بیاتی و همکاران، «بررسی فقهی رمزارها با تمرکز بر اشکالات ناشی از واحد مبادله بودن و ساختار الکترونیکی آن‌ها»، ۲۰.

باشد، بیع آن صحیح است.^{۶۳}» محقق خوئی نیز به نوعی شخصی بودن منفعت را با عقلایی بودن آن قابل جمع دانسته و می نویسد: «بر فرض پذیرش اعتبار مالیت در بیع، کافی است که مبیع در نظر طرفین معامله مال محسوب شود به شرطی که [اعتبار مالیت برای آن چیز] عقلایی باشد، و لازم نیست که نزد تمام عقلا مال تلقی شود.»^{۶۴}

۲. ۴. عرفی بودن یا شرعی بودن مفهوم مالیت

همان گونه که لغت دانان نیز تأکید کرده اند، مال برای عرف مفهومی روشن و واضح دارد و برای شناساندن آن، نیازی به این همه تکلف و پیچیده گویی نیست؛ زیرا مردم در زندگی روزمره خود، معمولاً بدون آنکه با مشکلی در این زمینه مواجه شوند، مال را تشخیص می دهند. پیش از این نیز گفته شد که در کتب فقهی هم نوعاً به مفهوم شناسی «مالیت» و «مال» پرداخته نشده که این مطلب نشانگر آن است که مال در اصطلاح فقها تفاوت معنایی چندانی با مال نزد عرف و اهل لغت نداشته است. شاید به سبب چنین وضوحی است که برخی از فقها در تعریف مال گفته اند: «الْمَالُ مَا يُدَلُّ بِإِزَائِهِ الْمَالُ» (مال، چیزی است که به ازای آن، مال داده می شود)؛^{۶۵} یعنی اگر در مقابل چیزی، چیز دیگری که مالیت دارد بذل شود، آن چیز اول مال به شمار می آید.

به نظر می رسد «مالیت» عنوانی عرفی است و تنها راه احراز مالیت چیزی، توجه به معاوضات عرفیه و تحلیل رفتار عقلا در ارتباط با آن است.^{۶۶} بر این اساس، «مالیت» - بر خلاف نظر برخی همچون محقق نایینی^{۶۷} - مفهومی نیست که منوط به بیان شارع باشد، نهایت آنکه شارع بما هو شارع می تواند برخی یا تمام آثار حقوقی آن را سلب کند؛ یعنی متعلق احکام را - که فعل مکلف است - مورد توجه قرار داده و برای آن، حکم شرعی جعل و اعتبار کند؛ از باب مثال، از شرب خمر نهی کند یا معامله آن را باطل اعلام کند؛ زیرا اعتبار شارع تابع مصالح و مفاسد بوده و مصالح و مفاسد نیز در افعال مکلفان است؛ اما در خود عناوین عرفی و عقلایی همچون مالیت، هیچ گونه مصلحتی نهفته نیست تا شارع آن را اسقاط نماید. به علاوه، اساساً چنین کاری لغو و بیهوده خواهد بود؛ چه، اگر شارع هزاران بار بگوید من عنوان «مال» را از شراب ساقط کردم، با وجود این، مردم همچنان آن را معامله کرده و مصرف نمایند، هرگز عنوان مالیت از آن ساقط

۶۳. خمینی، کتاب البیع، ۸/۳.

۶۴. خوئی، مصباح الفقاهة، ۶۷/۱.

۶۵. میرزای شیرازی، حاشیه المکاسب، ۱۰۲/۲؛ عراقی، حاشیه المکاسب، ۶۶؛ نک: نایینی، منیه الطالب، ۳۳۹/۱.

۶۶. برخلاف دیدگاه شمار قابل توجهی از فقها که مال را امری عرفی اعتباری می دانند، به نظر می رسد «مالیت» عنوانی عرفی انتزاعی به شمار می آید؛ به همین دلیل است که هیچ معیّری نمی تواند امری انتزاعی - که منشأ خارجی دارد - را ملغاً کند، نهایت آنکه می تواند برخی از آثار اعتباری امور انتزاعی را اعتبار نکند. برای مطالعه تفصیلی، نک: سلطانی فرد و دیگران، «بازپژوهی معناشناختی مال از منظر فقه امامیه»، ۱۹۰.

۶۷. نایینی، المکاسب و البیع، ۳۶۴/۲ و ۳۶۵.

نمی‌شود. از همین روست که امام خمینی (ره) معتقد است امکان ندارد شارع به عنوان شارع عناوین عرفیه را ساقط نماید.^{۶۸} مؤید این مطلب آن است که هنگام مراجعه به آیات قرآن و روایات هیچ‌گاه آیه یا روایتی یافت نخواهد شد که شارع مقدس یا معصومان (ع) معامله‌ای را به دلیل مال نبودن ثمن یا مثن باطل اعلام کرده باشند؛ هرچند ممکن است معامله با آن مال از جهت صدق عناوینی همچون غرر، ضرر و اکل مال به باطل صحیح نباشد.^{۶۹}

با روشن شدن مبنای امام در این مسئله، می‌توان گفت که تحقق مالیت مستلزم اجتماع قیودی همچون وجود منفعت عقلایی و ندرت نسبی است؛ قیودی که در کنار یکدیگر موجب شکل‌گیری رغبت عقلی، ارزش مبادلی و در نهایت، پدید آمدن عرضه و تقاضا می‌شوند. در همین راستا، یکی از دانشمندان بر این باور است که هرچه کالا منفعت بیشتری داشته باشد، رغبت به آن افزایش می‌یابد و هرچه دستیابی به آن آسان‌تر و فراوان‌تر باشد، رغبت کاهش یافته و ارزش مبادلاتی آن تنزل می‌کند. از این رو، کمیابی یا دشواری دسترسی به کالا نقشی اساسی در تقویت رغبت و افزایش ارزش مبادلاتی آن دارد.^{۷۰}

بر پایه آنچه گفته شد، و در امتداد مبنای عرفی مورد تأکید امام خمینی، مال را می‌توان چنین تعریف کرد: «آنچه نزد همه یا برخی از مردم دارای ارزش مبادلی باشد، مال نامیده می‌شود.»^{۷۱}

این تعریف ضمن اشاره به مسئله اعتبار شخصی بودن منفعت و همچنین عرفی بودن مفهوم مالیت می‌تواند بسیاری از مشخصاتی که فقها در تبیین معنای مال بیان کرده‌اند (همچون مورد نیاز بودن، منفعت عقلایی داشتن، کمیابی نسبی، قابل اختصاص بودن و در نهایت، مورد رغبت بودن) را در برگیرد، در عین آنکه از تکلفات بی‌مورد نیز به دور است. براساس این تعریف، با وجود دو عنصر عرضه و تقاضا و نیز تحقق معاوضات عرفیه است که می‌توان در مبادلات برای یک چیز قائل به ارزشمندی شد و مالیت آن را احراز کرد.

۳. بررسی ارزش مبادلی (مالیت) رمزارها

همان‌طور که گفته شد، مال چیزی است که دارای ارزش مبادلی باشد و طبیعی است که چنین ارزشی از تمایل و رغبت مردم با دست کم برخی از آنان به آن چیز نشأت می‌گیرد؛ هرچند که تحقق رغبت نیز خود

۶۸. نک: خمینی، کتاب البیع، ۱۰ و ۹/۳.

۶۹. ممکن است در تأیید این دیدگاه به روایتی که از پیامبر اکرم (ص) نقل شده نیز بتوان تمسک جست: «إِنَّ اللَّهَ إِذَا حَرَّمَ شَيْئًا حَرَّمَ ثَمَنَهُ» (ابن ابی‌جمهور، عوالی اللئالی، ۱۱۰/۲)؛ زمانی که خداوند چیزی را حرام کند، ثمنش را نیز حرام می‌کند. این روایت بدان معناست که معامله آن چیز حرام است اما نه اینکه آن چیز دیگر مال نباشد.

۷۰. نک: صدر، اقتصادنا، ۱۹۷ و ۱۹۸.

۷۱. سلطانی‌فرد و دیگران، «بازپژوهی معناشناختی مال از منظر فقه امامیه»، ۱۹۲.

از عواملی همچون منفعت داشتن و در دسترس همگان نبودن ناشی می‌شود. با حفظ این نکته، باید دانست که امروزه تمایل و رغبت جمع زیادی از عقلا به پدیده نوظهور رمزارزها انکارناپذیر است. میلیون‌ها نفر از مردم جهان چه با استخراج و چه با معامله به دنبال دریافت رمزارز هستند. نمودار زیر ارزش کل بازار^{۷۲} رمزارزها را با بیش از ۱۲۳ میلیارد دلار و حجم معاملات ۲۴ ساعته^{۷۳} آن را با ۲/۶۸ تریلیون دلار در بازه زمانی آوریل ۲۰۲۴ تا آوریل ۲۰۲۵ نشان می‌دهد.



نمودار ۲/ ارزش بازار و حجم معاملات روزانه رمزارزها^{۷۴}

روشن است که هرچقدر ارزش کل بازار و همچنین حجم معاملات روزانه بیشتر باشد، نشانگر آن است که خرید و فروش در آن بازار محبوبیت و اقبال بیشتری در میان سرمایه‌گذاران دارد. بر این اساس بدون هیچ شکی تسابق دست‌کم بخشی از مردم نسبت به دریافت رمزارز ثابت است و در نتیجه، آن را می‌توان یکی از مصادیق بارز مال به شمار آورد.

برخی از مهم‌ترین منافع که ارزهای رمزنگاری شده دارد و موجب شده تا تمایل مردم به سمت آن‌ها صورت بگیرد عبارت است از:

أ. **انتقال سریع:** انتقال وجه در رمزارزها به صورت مستقیم (فرد به فرد) و بدون واسطه انجام می‌شود. مدت زمان انتقال بسته به نوع رمزارز متفاوت است: رمزارزهای سریع مانند رپل در کمتر از ۵ ثانیه، رمزارزهای با سرعت متوسط مانند اتریوم در ۲ تا ۵ دقیقه، و بیت‌کوین در حدود ۱۰ دقیقه (که با پرداخت کارمزد بیشتر قابل کاهش به ۲-۳ دقیقه است) انجام می‌شوند. کاربران می‌توانند با افزایش کارمزد تراکنش،

72. Market Capitalization

73. Volume (24h)

74. <https://coinmarketcap.com/charts>.

سرعت تأیید آن را بالا ببرند. در مقابل، سیستم‌های بانکی سنتی به دلیل فرآیندهای دستی، محدودیت ساعات کاری و وجود واسطه‌های متعدد، معمولاً برای انتقالات بین‌المللی به ۱ تا ۵ روز کاری زمان نیاز دارند.^{۷۵}

ب. انتقال کم‌هزینه: رمزارزها نه تنها در سرعت، بلکه در کاهش چشمگیر هزینه‌های عملیاتی نیز پیش‌تاز هستند. در نظام‌های پرداخت سنتی، هزینه‌های معاملاتی بین‌المللی به دلیل حضور نهادهای واسطه (مانند بانک‌ها و شرکت‌های پرداخت) اغلب بالا است. در مقابل، رمزارزها با حذف این واسطه‌ها، هزینه‌ها را کاهش می‌دهند. البته هزینه تراکنش‌ها در رمزارزها کاملاً حذف نمی‌شود و میزان آن بستگی به نوع رمزارز و ترافیک شبکه دارد، اما در مقایسه با سیستم‌های متمرکز، معمولاً مقرون به صرفه‌تر است؛ برای مثال، انتقال بین‌المللی با سوئیفت^{۷۶} ممکن است ۳۰ تا ۵۰ دلار هزینه داشته باشد، درحالی که همین انتقال با بیت‌کوین یا رپل^{۷۷} ممکن است کمتر از ۵ دلار باشد.^{۷۸}

ج. انتقال شفاف: شفافیت تراکنش‌ها^{۷۹} در رمزارزها به این معناست که همه می‌توانند جزئیات هر تراکنش را ببینند و بررسی کنند. وقتی کسی بیت‌کوین یا هر رمزارز دیگری را جابجا می‌کند، این اطلاعات در دفتر کل عمومی به نام بلاکچین ثبت می‌شود و برای همیشه قابل مشاهده باقی می‌ماند. بنابراین می‌توان بدون نیاز به اجازه از بانک یا دولت، تاریخچه کامل هر تراکنش -از جمله مقدار ارسال شده، آدرس‌های مبدأ و مقصد، و زمان دقیق انتقال- را در ابزارهایی مثل اکسپلوررهای بلاکچین^{۸۰} دید. این شفافیت موجب می‌شود تقلب و دستکاری در تراکنش‌ها دشوارتر شود، چرا که تمام تراکنش‌ها در بلاکچین ثبت شده و برای تمام اعضای شبکه قابل مشاهده و بررسی هستند؛^{۸۱} برای نمونه، وقتی یک مؤسسه خیریه از رمزارزها استفاده می‌کند، تمامی کمک‌های مالی و نحوه هزینه‌کرد آنها به صورت شفاف و عمومی قابل ردیابی است، به طوری که هرکس می‌تواند جریان وجوه را دقیقاً پیگیری کند.^{۸۲}

75. <https://www.osl.com/hk-en/academy/article/pros-and-cons-of-cryptocurrency>.

۷۶. «سوئیفت» (SWIFT) مخفف عبارت Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication است که یک سیستم پیام‌رسانی بین‌المللی امن اما قدیمی بین بانک‌ها و مؤسسات مالی محسوب می‌شود.

77. Ripple

78. <https://www.investopedia.com/terms/d/digital-currency.asp>.

79. Transaction Transparency

80. Blockchain Explorers

۸۱. البته این شفافیت کامل گاهی برای حریم خصوصی چالش ایجاد می‌کند، به همین دلیل بعضی رمزارزها مثل مونرو (Monero) امکان انجام یافتن تراکنش‌های ناشناس را نیز فراهم کرده‌اند.

82. <https://www.currencytransfer.com/blog/expert-analysis/cryptocurrency-vs-traditional-currency>.

برای درک بهتر مزایای رمزارزها در انتقالات مالی، نمودار حاضر مقایسه‌ای گویا بین فناوری نوین ریپل و سیستم سنتی سوئیفت را در سه شاخصه کلیدی پیش گفته، یعنی سرعت تراکنش، هزینه تراکنش و شفافیت ارائه می‌دهد.



نمودار ۳/ مقایسه فناوری نوین ریپل و سیستم سنتی سوئیفت^{۸۳}

د. مقاومت در برابر مصادره و بلوکه شدن: رمزارزها به دلیل ساختار غیرمتمرکز خود، در برابر مصادره و بلوکه شدن دارایی‌ها توسط دولت‌ها مقاوم هستند، در حالی که در سیستم‌های مالی سنتی - به‌ویژه در شرایط بحران‌های سیاسی یا اقتصادی (مانند تحریم‌های بین‌المللی یا تنش‌هایی نظیر روابط ایران و آمریکا) - دولت‌ها به راحتی می‌توانند اموال اشخاص و نهادها را مسدود یا مصادره کنند.^{۸۴} نکته حائز اهمیت آن است که این مقاومت مشروط به نگهداری دارایی‌ها در کیف پول‌های غیرمتمرکز^{۸۵} است و شامل دارایی‌های موجود در صرافی‌های متمرکز (که تابع مقررات دولتی هستند) نمی‌شود.^{۸۶}

ه. پایداری در برابر تورم: بیت‌کوین - به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رمزارزها - با طراحی خاص خود که

83. <https://101blockchains.com/ripple-vs-swift>.

84. <https://www.ledger.com/academy/topics/economics-and-regulation/4-times-governments-confiscated-money-why-censorship-resistant-money-like-bitcoin-matters>.

85. Non-custodial wallets

۸۶. البته مقاومت رمزارزها در برابر مسدود شدن می‌تواند از منظر دیگر، به‌عنوان یک چالش حاکمیتی محسوب شود؛ برای مثال، دولت از باز پس گرفتن اموال از غاصبان و متخلفان ناتوان خواهد بود. بررسی بیشتر این موضوع در خلال تبیین قاعده «نفی سبیل» پی گرفته خواهد شد.

عرضه آن را به ۲۱ میلیون واحد محدود کرده، به عنوان «طلای دیجیتال»^{۸۷} شناخته می شود؛ چه، ویژگی های کلیدی طلای فیزیکی (محدود بودن ذخایر طلای جهان و سخت و پرهزینه بودن استخراج آن) را در دنیای دیجیتال تقلید می کند. این محدودیت مصنوعی موجب می شود برخلاف پول های ملی (مثل ریال و دلار) که دولت ها می توانند به صورت نامحدود چاپ کنند، بیت کوین در بلندمدت ارزش خود را حفظ کند.^{۸۸} نمونه های عینی این مزیت را می توان در کشورهایی مانند ونزوئلا مشاهده کرد که در اوج تورم حدود ۱۰۰۰۰۰ درصدی در سال ۲۰۱۹^{۸۹}، بسیاری از شهروندان به خرید بیت کوین روی آوردند.^{۹۰} و. نوآوری در قراردادهای هوشمند:^{۹۱} پلتفرم هایی مانند اتریوم امکان ایجاد قراردادهای هوشمند را فراهم کرده اند.^{۹۲} این قراردادها به صورت خودکار و بدون نیاز به واسطه اجرا می شوند و کاربردهای گسترده ای در امور مالی، بیمه، املاک و سایر حوزه ها دارند.

علاوه بر موارد گفته شده، استفاده از رمزارها مشخصاً برای کشور منافع دیگری همچون «کاهش قدرت تحریم دلاری آمریکا بر ضد اقتصاد ایران»، «تسهیل در جهانی شدن کسب و کارهای داخلی و بهبود صادرات غیرنفتی» و «امکان افزایش سرمایه گذاری خارجی» را می تواند به دنبال داشته باشد.^{۹۳}

۴. بررسی چند اشکال

نسبت به مالیت ارزهای رمزنگاری شده، اشکالاتی مطرح است که در این بخش، مهم ترین آن ها طرح و سپس بررسی می شود.

۴. ۱. اشکال اول: نبود رغبت عمومی به رمزارها

بر اساس یکی از این اشکالات، ارزهای رمزنگاری شده را نمی توان «مال اعتباری عرفی» از نوع عرف عام دانست؛ زیرا به ادعای مطرح شده، تنها نوعی عرف خاص درباره آن ها شکل گرفته است که آن نیز

87. Digital Gold

88. <https://www.osl.com/hk-en/academy/article/bitcoin-as-digital-gold-protecting-your-wealth-from-inflation>.

89. <https://www.reuters.com/article/economy/venezuelas-inflation-tumbles-to-9586-in-2019-central-bank-idUSKBN1ZZ09K>.

90. <https://crypto4innovation.org/crypto-usage-grows-in-venezuela-despite-government-mismanagement>.

91. Smart Contracts

92. <https://www.antiersolutions.com/blogs/understanding-and-comparing-the-5-popular-smart-contract-development-platforms>.

۹۳. ناگفته نماند که معاملات رمزارها در کنار منافعی که دارد، با چالش هایی جدی نیز روبروست؛ مواردی همچون فقدان قوانین و مقررات مشخص، مشخص نبودن هویت فرستنده و گیرنده، نوسانات شدید قیمت و بی ثباتی، تضعیف بانک مرکزی و نهادهای واسطه، امکان فرار مالیاتی و پول شویی و بروز مشکلات امنیتی که باید در جای خود بدان پرداخته شود.

عمدتاً در میان سفته‌بازان و با هدف کسب سود رواج دارد. افزون بر این، گفته می‌شود این گروه معمولاً توجه و دقتی نسبت به ماهیت ارزشهای رمزنگاری‌شده -از حیث کالا بودن یا پول‌بودن- ندارند و انگیزه اصلی آنان صرفاً تحصیل سود است. بر این اساس، سفته‌بازان نوعی عرف بی‌توجه تلقی می‌شود و از آن نمی‌توان دلالتی بر مالیت رمزارزها به دست آورد.^{۹۴}

نقد و بررسی: این اشکال، هویت مال را وابسته به رغبت عمومی می‌داند و عرف خاصی را که درباره رمزارزها وجود دارد نیز محرز مالیت آن نمی‌داند. در پاسخ به این اشکال لازم است به دو نکته توجه کرد: اولاً. همان‌طور که گفته شد، وجود منفعت عقلایی در چیزی به معنای رغبت بالفعل تمامی عقلا به آن نیست؛ بلکه اگر حتی یک نفر از آنان نیز به آن رغبت داشته باشد، برای صدق عنوان «دارای منفعت عقلایی بودن» کفایت می‌کند.

ثانیاً. ادعای اینکه تنها جمع محدودی از مردم اهل تسامح بدون توجه به ارزش مالی اقدام به معامله بیت‌کوین می‌کنند، صحیح نیست. آنچه آشکار است، مردمانی با ملیت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون به استخراج و به‌ویژه مبادله بیت‌کوین -به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رمزارزها- رغبت نشان می‌دهند. وجود صرافی‌های متعدد و تراکنش‌های چندصد میلیارد دلاری ارزشهای یادشده، نشان می‌دهند که گروه گسترده‌ای از مردم و عقلا مالیت آن را پذیرفته‌اند.

۴. ۲. اشکال دوم: انکار مالیت شرعی رمزارزها

بر فرض آنکه رغبت عمومی در تحقق مالیت چیزی دخالت نداشته باشد و صرف رغبت برخی از عقلا برای تحقق مالیت عرفی آن کافی باشد، باز هم امضای شارع و تحقق مالیت شرعی آن قابل اثبات نیست؛ ازاین‌رو مبادله آن با اشکال شرعی مواجه خواهد بود.^{۹۵}

نقد و بررسی: پیش از این تبیین شد که مالیتی که در فقه از شروط صحت خرید و فروش به شمار می‌آید، مالیت عرفی است. بنابراین هرگاه مالیت عرفی چیزی ثابت شود، عمومات و اطلاقات ادله‌ای چون «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» و «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» شامل معامله آن خواهند شد،^{۹۶} مگر آنکه وجود مانعی شرعی -مانند ضرر یا غرر- در مورد آن معامله احراز گردد.

۴. ۳. اشکال سوم: بی‌پشتوانه بودن رمزارزها

۹۴. میرزاخانی و سعدی، «بیت‌کوین و ماهیت مالی-فقهی پول مجازی»، ۷۹؛ نک: میثمی و بیابانی، تحلیل ماهیت، استخراج و مبادله انواع رمزارزها، ۳۶ و ۳۵.

۹۵. نک: میثمی و بیابانی، تحلیل ماهیت، استخراج و مبادله انواع رمزارزها، ۳۵؛ عیوضلو و همکاران، «تحلیل فقهی-حقوقی مبادله ارزشهای قابل استخراج در اقتصاد اسلامی»، ۲۰۳.

۹۶. مروی، فقه رمزارزها، ۸۹ و ۹۰.

هنگام معامله یک مال یا دارایی، آن مال یا باید مستقیماً و به خودی خود دارای ارزش باشد که به واسطه آن مالیت یافته و قابل مبادله شود (مانند خوراکی‌ها)، یا دارای ارزش اعتباری باشد (مانند پول). در فرض دوم، مالیت نیازمند اعتبار معتبر است؛ چراکه هیچ اعتباری بدون وجود اعتباردهنده تحقق نمی‌یابد. از آنجاکه رمزارها فاقد ارزش ذاتی اند، این پرسش مطرح می‌شود که اعتباردهنده آن‌ها کیست؟ بدیهی است که این اعتبار از سوی نهادهای رسمی، بانک‌ها یا مؤسسات مالی اعطا نشده است؛ چنان‌که در صورت بروز مشکل نیز هیچ نهادی مسئولیت و پاسخ‌گویی در این زمینه را بر عهده نمی‌گیرد. عرف عام نیز -دست‌کم تاکنون- به عنوان اعتباردهنده این ارقام و رموز شناخته نمی‌شود؛ زیرا نمی‌توان ادعا کرد که عموم عقلاً به آن‌ها اعتبار داده‌اند. به همین جهت، تاکنون هیچ شناخت روشنی از اعتباردهنده رمزارها وجود ندارد.^{۹۷}

نقد و بررسی: در تحلیل این اشکال، توجه به چند نکته اساسی ضروری است:

اولاً. وضعیت رمزارها از نظر پشتوانه داشتن یا نداشتن یکنواخت نیست؛ چنان‌که برخی از آن‌ها دارای پشتوانه پول‌های رایج (فیات) هستند، برخی به دارایی‌های فیزیکی یا دیجیتال خاصی متصل‌اند و تنها بخشی از رمزارها -مانند بیت‌کوین- فاقد پشتوانه متمرکز و معین‌اند. بنابراین، نقد بی‌پشتوانگی تنها نسبت به قسم اخیر به طور کامل مطرح است.^{۹۸} نمونه بارز این امر، رمزارز «تتر»^{۹۹} است که به عنوان یک رمزارز با پشتوانه پول فیات معرفی می‌شود و ارزش آن به طور اسمی به دلار آمریکا متصل است. این نمونه نشان می‌دهد که برخلاف تصور رایج، همه رمزارها فاقد پشتوانه نیستند و برخی از آن‌ها دقیقاً با هدف برخورداری از پشتوانه مشخص و کاهش نوسانات طراحی شده‌اند.

ثانیاً. این اشکال -بر خلاف نظر برخی از پژوهشگران^{۱۰۰}- اساساً در صورتی قابل طرح است که رمزارها به عنوان «پول» شناخته شوند؛ اما اگر به عنوان «کالا» تلقی شوند، شرط وجود پشتوانه موضوعیت ندارد. بسیاری از کالاهای متعارف بازار -از فلزات گران‌بها تا آثار هنری- فاقد پشتوانه‌اند، ولی این امر مانع صحت معاملات آن‌ها نیست. بنابراین، برای قدم اول و در فرض کالابودن رمزارها، استدلال مبتنی بر بی‌پشتوانگی و جاهت لازم را ندارد.

ثالثاً. با فرض پذیرش پول‌بودن دست‌کم برخی از رمزارها و همچنین پذیرش این دیدگاه که پشتوانه

۹۷. نک: محمدی، «تحلیل ارزش‌های مجازی در پرتو فقه، حقوق و مطالعات تطبیقی»، ۵۱۳؛ علوی و ثوقی و غلامی، «نگاهی نو به ماهیت فقهی رمزارها و معاملات آن»، ۳۴۰.

۹۸. نک: حاج آقا بزرگی و عیوضلو، «بررسی مالیت انواع رمزارها و طبقه‌بندی آن‌ها بر اساس معیارهای اقتصاد اسلامی»، ۱۳.

۹۹. USDT

۱۰۰. الهام و میرزاخانی، «بررسی فقهی مالیت در رمزارها»، ۳۵۰.

پول عبارت است از هر آنچه ثبات ارزش اقتصادی و قدرت خرید آن را تضمین می‌کند،^{۱۰۱} می‌توان گفت آنچه امروزه در عمل پشتوانه پول محسوب می‌شود، نه دارایی‌های مادی، بلکه اعتبار دولت‌های صادرکننده و پذیرش عمومی مردم است.^{۱۰۲} به عبارت دیگر، ارزش پول‌های رایج غالباً از قدرت حکومت‌ها و اعتماد عمومی ناشی می‌شود، نه از پشتوانه‌های فیزیکی.

با این ملاحظه، در رمزارزهایی مانند بیت‌کوین نیز چه‌بسا بتوان گفت پشتوانه آن نه نهاد یا شخص خاص، بلکه مجموعه‌ای از عوامل غیرمتمرکز است؛ از جمله شبکه قدرتمند بلاک‌چین که ضامن امنیت و کارکرد آن است، در کنار اعتماد و اقبال روزافزون کاربران و مشارکت فعال مجموعه‌ای از استخراج‌کنندگان، توسعه‌دهندگان و سازمان‌های مرتبط. به بیان دیگر، اعتباردهنده رمزارزها نه دولت‌ها یا اشخاص حقیقی، بلکه یک سیستم اجتماعی-فناورانه غیرمتمرکز است که بر پایه اعتماد جمعی و اجماع عرف خاص شکل گرفته است. از این رو، ممکن است بتوان این شبکه را نوعی پشتوانه غیرمتمرکز دانست که در جای خود ثبات نسبی و مقبولیت رمزارزها را تضمین می‌کند.

رابعاً. هرچند نهادهای مالی رسمی هنوز رمزارزها را به‌طور گسترده معتبر نمی‌دانند، اما شواهدی از پذیرش تدریجی آن‌ها وجود دارد. برخی کشورها با به رسمیت شناختن رمزارزها، حتی مالیات بر معاملات آن وضع کرده و آن را به‌عنوان ثمن یا مثنی در مبادلات پذیرفته‌اند.^{۱۰۳} به‌عنوان مثال، به‌تازگی در کشور قانون «مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی» در تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که برای نخستین بار، مفاهیمی چون «رمزپول» و «رمزدارایی» در زمره دارایی‌های مشمول مقررات مالیاتی و الزام به صدور صورتحساب الکترونیکی و ثبت تراکنش‌ها قرار گرفته‌اند.^{۱۰۴} این اقدام را می‌توان نشانه‌ای از حرکت تدریجی نظام حقوقی کشور به‌سوی تنظیم‌گری و شفاف‌سازی معاملات رمزارزی دانست؛ حرکتی که هرچند به معنای تأیید مطلق مشروعیت فقهی رمزارزها نیست، اما بیانگر آن است که با تدوین چارچوب‌های دقیق اقتصادی، فنی و حقوقی می‌توان زمینه را برای بررسی مجدد و رفع تدریجی موانع فقهی فراهم ساخت و مسیر تعامل قانون‌مند با این پدیده را هموارتر کرد.

از این رو، ادعای فقدان اعتبار مطلق از سوی تمامی نهادها و عقلاً صحیح به نظر نمی‌رسد. مؤید این مطلب آن است که شرکت‌های خصوصی نیز توانایی ایجاد رمزارز را دارند؛ نمونه بارز آن، رمزارز «تتر»

۱۰۱. یوسفی، ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن، ۱۳۸.

۱۰۲. نک: مکارم‌شیرازی، تقریرات درس خارج فقه، ۱۳۷۲/۰۴/۲۲؛ جوادی‌آملی، تقریرات درس خارج فقه، ۱۳۹۳/۱۰/۰۷؛ شهیدی‌پور، تقریرات درس خارج فقه، ۱۳۹۷/۱۱/۰۳.

۱۰۳. نورمفیدی، تقریرات درس خارج فقه، ۱۴۰۲/۰۲/۲۷.

است که در سال ۲۰۱۴ میلادی توسط شرکت خصوصی Tether Limited Inc راه اندازی شد.^{۱۰۵} به همین جهت، لزومی ندارد که پشتوانه رمزارها حتماً حاکمیت‌های رسمی باشند.

۴.۴. اشکال چهارم: نبود تضمین و مسئولیت قانونی

از آنجاکه یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری رمزارها، فرار از نظارت دولت‌ها و بانک‌های مرکزی و جلوگیری از دخالت‌هایی است که ممکن است به تورم بینجامد، این دارایی‌ها عمدتاً خارج از حاکمیت نظارتی نهادهای مالی سنتی عمل می‌کنند. این ماهیت غیرمتمرکز موجب می‌شود هیچ نهاد معتبری مسئولیت مستقیمی در قبال ارزش، پایداری یا جبران خسارت‌های ناشی از سرقت، کلاهبرداری یا مشکلات فنی (مانند آسیب در فرایند استخراج یا مبادله) بر عهده نگیرد. در نتیجه، هیچ ضمانتی برای این دارایی‌ها وجود ندارد و در صورت بروز مشکل، امکان اقدامات متعارف حمایتی مانند مسدود کردن حساب‌های مسروقه میسر نیست. حتی در برخی نظام‌های حقوقی داخلی تصریح شده که استفاده از رمزارها مشمول حمایت و ضمانت دولت نیست.^{۱۰۶} این نبود تضمین، احتمال از دست دادن ناگهانی ارزش یا دارایی را افزایش داده و خود به عنوان مانعی در راه به رسمیت شناختن مالیت این ارزها محسوب می‌شود.^{۱۰۷}

نقد و بررسی: در مورد فقدان مسئولیت و ضمانت اجرایی در بازار رمزارها می‌توان گفت:

اولاً. به چه دلیل برای صحت یک معامله، وجود تضمین نسبت به عوضین آن ضرورت دارد؟

ثانیاً. این ادعا که دولت‌ها مطلقاً نتوانند در بازار رمزارها ورود کنند نیز صحیح به نظر نمی‌رسد؛ چراکه در عمل، برخی دولت‌ها با وضع مقرراتی، در جهت پیشگیری از مشکلات احتمالی و سامان‌دهی این بازار گام برداشته‌اند؛ هرچند که اثربخشی و حدود این‌گونه مداخلات هنوز کاملاً روشن نیست و نمی‌توان با قاطعیت در مورد موفقیت‌آمیز بودن آن‌ها قضاوت کرد. برای نمونه، ابلاغ «الزامات انتظامی سایبری تخصصی کارگزاران مبادله رمزارز»^{۱۰۸} و همچنین تصویب کلیات طرح سامان‌دهی رمزارزها در

105. <https://coinmarketcap.com/academy/article/what-is-tether>.

۱۰۶. در اولین بند «تصویب‌نامه هیئت‌وزیران» مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۳ آمده است: «استفاده از رمزارزها صرفاً با قبول مسئولیت خطرپذیری (ریسک) از سوی متعاملین صورت می‌گیرد و مشمول حمایت و ضمانت دولت و نظام بانکی نبوده و استفاده از آن در مبادلات داخل کشور مجاز نیست.»

۱۰۷. نک: راضی‌الشمیری، التأسیل الفقهی للعملة الافتراضية، ۷۳؛ به نقل از: مروی، فقه رمزارزها، ۱۲۱.

۱۰۸. در دی‌ماه سال ۱۴۰۱، پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات فراجا، مستندی را تحت عنوان «الزامات انتظامی سایبری تخصصی کارگزاران مبادله رمزارز» به تعدادی از مدیران سکوهای تبادل رمزارزها به‌صورت غیررسمی و در ضمن سیزده صفحه ابلاغ کرد. بر اساس یکی از این الزامات، مقرر شد شرکتی که صرافتی دارد باید تضامنی باشد. همچنین ارائه خدمات در حوزه رمزارز به اتباع خارجی ممنوع گردید. در بند دیگر آمده که اگر پس از ارزیابی‌ها، بازربینی‌ها و تذکرات پلیس فتا، این نهاد به این نتیجه رسید که فعالیت صرافتی‌ها سازگاری با روح این الزامات ندارند، از طریق شاپرک نسبت به مسدود شدن درگاه آن‌ها اقدام خواهد شد. در بخش فراهم کردن امنیت برای پلتفرم‌های فعال در حوزه رمزارز نشانه‌هایی از انحصار هم دیده می‌شد، چراکه اعلام شد شرکت‌های فعال در این بخش

کمیسیون اقتصادی مجلس در تاریخ ۱۳ آذر ۱۴۰۲ را می‌توان از جمله این اقدامات در کشور دانست.

۴. ۵. اشکال پنجم: زوال‌پذیری مالیت رمزارزها بر اثر افزایش عرضه استخراجی

بیت‌کوین و برخی رمزارزها به دلیل ماهیت استخراجی خود، فاقد مالیت پایدارند؛ زیرا با استخراج روزانه مقادیر جدید، عرضه آن‌ها به‌طور مستمر افزایش می‌یابد و این امر موجب کاهش ارزش و بی‌ثباتی قیمت می‌شود. از این رو، چنین دارایی‌هایی نمی‌توانند موضوع مبادله‌ای معتبر قرار گیرند؛ چراکه مالیت آن‌ها در معرض زوال تدریجی است و با افزایش عرضه، ارزش اقتصادی آن‌ها کاهش می‌یابد.

نقد و بررسی: در پاسخ به این اشکال، توجه به چند نکته ضروری است:

اولاً. افزایش عرضه به‌خودی‌خود موجب زوال مالیت کالا نمی‌شود؛ زیرا در بسیاری از کالاهای متعارف، امکان افزایش عرضه وجود دارد، بدون آنکه این امر مانعی برای مشروعیت معاملات آن‌ها گردد. عامل تعیین‌کننده در ارزش اقتصادی، صرف افزایش عرضه نیست، بلکه نسبت میان عرضه و تقاضا و شرایط واقعی بازار است. چه‌بسا افزایش عرضه، هم‌زمان با رشد تقاضا صورت گیرد و موجب کاهش ارزش نشود.

ثانیاً. در مورد بیت‌کوین، میزان استخراج و عرضه نهایی آن از پیش مشخص و محدود است و برخلاف بسیاری از کالاها، امکان افزایش نامحدود عرضه وجود ندارد. از این رو، نمی‌توان به‌طور قطعی ادعا کرد که استخراج مستمر آن، به‌صورت لزومی به کاهش ارزش و زوال مالیت می‌انجامد؛ بلکه این امر تابع شرایط بازار و رفتار اقتصادی کاربران است.^{۱۰۹}

ثالثاً. همانند اشکال بی‌پشتوانگی، این اشکال نیز ناظر به همه رمزارزها به‌صورت یکسان نیست؛ چراکه رمزارزها از حیث سازوکار عرضه، نوع استخراج و کنترل تورم، اقسام گوناگونی دارند. برخی رمزارزها دارای عرضه محدود و قابل پیش‌بینی‌اند، برخی با سازوکارهای کنترلی مانع از تورم شدید می‌شوند و برخی دیگر اساساً مبتنی بر استخراج کلاسیک نیستند. بنابراین، تعمیم اشکال «تزلزل مالیت از حیث استخراج» به تمامی رمزارزها، خالی از دقت تحلیلی است و نیازمند بررسی موردی هر رمزارز خواهد بود.

۴. ۶. اشکال ششم: اختلاف نظر متخصصان در مورد مالیت رمزارزها

باید به‌صورت دوره‌ای و هر شش ماه یک‌بار نسبت به انجام تست امنیتی توسط یک شرکت ارزیاب «مورد تأیید پلیس فتا / مرکز افتا» اقدام کنند. از دیگر الزامات این بود که شرکت‌ها را ملزم می‌کرد کلیه اطلاعات مرتبط با سوابق معاملات و تراکنش‌های کاربران را حداقل به مدت ۱۰ سال و به‌صورت امن نگهداری کنند. بر اساس بندی دیگر، هرگونه تبلیغات فریبنده با هدف ترویج ارزهای رمزپایه، اعم از داخلی یا خارجی، تشویق و ترغیب مردم به سرمایه‌گذاری در رمزارزها یا سایت‌های مدعی پرداخت سودهای کلان و غیره ممنوع گشت (نک: <https://ramzarz.news>).

۱۰۹. آزادپرور و همکاران، «بررسی فقهی مالیت بیت‌کوین در بستر فضای مجازی»، ۱۳۹.

از دیگر اشکالات مطرح شده در مسئله مالیت رمزارزها، اختلاف نظر عمیق و گسترده صاحب نظران و متخصصان در حوزه های فقه و حقوق است. این که دیدگاه ها میان پذیرش کامل و انکار مطلق در نوسان است، خود نشان می دهد رمزارزها فاقد وضوح مفهومی و ثبات اقتصادی لازم برای تحقق «مالیت» هستند. بر اساس این استدلال، پذیرش آن ها نه بر مبنایی معیاری و مستحکم، بلکه عمدتاً بر پایه یک توهم جمعی یا فعالیت های سفته بازانه استوار شده است.

نقد و بررسی: پیش تر اشاره شد که مال و مالیت، مفاهیمی عرفی هستند، نه شرعی. از این رو، معیار تشخیص مالیت عرفی یک چیز، اساساً نظر فقها نیست، بلکه انطباق آن با تعریف و اوصاف مال است.^{۱۱۰} افزون بر این، تعدد دیدگاه ها در هر مسئله نوپدیدی امری طبیعی است و صرف اختلاف نظر، دال بر نامشروع بودن آن پدیده نخواهد بود. نمونه آن، اختلاف نظرهای اولیه درباره بسیاری از معاملات جدید (مانند بیمه) است که با گذر زمان و تثبیت کارکردشان در چارچوب معیارهای کلی، در نهایت مورد پذیرش قرار گرفتند. بنابراین، داوری نهایی در این زمینه باید با رجوع به معیارهای ثابت و تعریف شده مالیت (از جمله دارا بودن ارزش مبادلی نزد دست کم بخشی از مردم) و نیز واقعیات عینی میدانی (مانند میزان استقبال عمومی و حجم معاملات رمزارزها) صورت پذیرد، نه با تکیه بر آمار نظرات موافق و مخالف. با توجه به آنچه گذشت، تردیدی باقی نمی ماند که رمزارزها، دارای ارزش مبادلی و در نتیجه واجد «مالیت» هستند. البته اثبات مالیت، به معنای اثبات مشروعیت فقهی معاملات آن ها نیست. از همین روست که آیت الله شبیری زنجانی، از فقهای معاصر، با پذیرش ضمنی مالیت و ارزش اقتصادی این پدیده نوظهور، جواز خرید و فروش بیت کوین را مشروط به فقدان مفسده اقتصادی و عدم مخالفت با قانون می داند.^{۱۱۱} این موضع فقهی نشان می دهد که بحث اصلی درباره رمزارزها نه اصل مالیت، بلکه شروط شرعی و قانونی استفاده از آن هاست.

نتیجه گیری

بر پایه مباحث مطرح شده در این پژوهش و با تکیه بر مبنای فقهی امام خمینی (ره)، «مالیت» مفهومی عرفی است که محور آن تحقق ارزش مبادلی ناشی از رغبت دست کم برخی از عقلا به یک چیز است. بررسی مؤلفه هایی همچون منفعت عقلایی (اعم از نوعی یا شخصی)، کمیابی نسبی و شکل گیری عرضه و تقاضا نشان داد که رمزارزها به طور روشن واجد این معیار بوده و در نتیجه، مصداق مال عرفی به شمار

۱۱۰. نورمفیدی، تقریرات درس خارج فقه، ۱۴۰۱/۱۱/۱۱.

می‌آیند. استقبال گسترده کاربران، حجم بالای معاملات و کارکردهای اقتصادی متمایز رمزارزها، تحقق این ارزش مبادلی را به خوبی تأیید می‌کند. افزون بر این، اشکالاتی همچون نبود رغبت عمومی، انکار مالیت شرعی، بی‌پشتوانه بودن، فقدان تضمین و مسئولیت قانونی و نیز اختلاف نظر متخصصان، با توجه به عرفی بودن مفهوم مالیت و تحقق ارزش مبادلی رمزارزها نزد دست‌کم بخشی از مردم جهان، ناتوان از نفی مالیت این ارزها هستند. با این حال، اثبات مالیت رمزارزها به معنای مشروعیت مطلق معاملات آن‌ها نیست؛ بلکه صحت شرعی این معاملات منوط به فقدان موانع فقهی همچون ضرر و غرر و نیز رعایت ملاحظات حکومتی و مصالح عمومی است. از این رو، می‌توان گفت رمزارزها از حیث مالیت، قابلیت ورود به معاملات را دارند، اما داوری نهایی درباره مشروعیت هر نوع تعامل با آن‌ها نیازمند بررسی دیگر چالش‌های موجود در این زمینه است.

منابع

قرآن کریم

ابن ابی‌جمهور، محمد بن علی. عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة. قم: دار سید الشهداء للنشر. چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.

ابن اثیر، مبارک بن محمد. النهاية فی غریب الحديث و الأثر. قم: اسماعیلیان. چاپ چهارم، ۱۳۶۷.

ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. بیروت: دار الفکر. چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.

آزادپور، مهدی؛ فائزی، محمد و آذریان، سیدصادق. «بررسی فقهی مالیت بیت‌کوین در بستر فضای مجازی»، فقه و اجتهاد، دوره ۶، ش ۱۲، مهر ۱۳۹۸، ۱۲۷ تا ۱۴۳.

الهام، صادق و میرزاخانی، رضا. «بررسی فقهی مالیت در رمزارزها»، بورس اوراق بهادار، دوره ۱۶، ش ۱، زمستان ۱۴۰۲، ۳۳۷ تا ۳۵۴.

doi: ۱۰/۲۲۰۳۴/jse.۲۰۲۴/۱۲۳۸۳/۲۲۳۷

انصاری، مرتضی بن محمد امین. کتاب المکاسب. بی‌جا: تراث الشیخ الاعظم. بی‌تا.

ایروانی، علی. حاشیه المکاسب. تهران: کیا. ۱۳۸۴.

بیاتی، محمد حسین؛ جاودان، محمدصادق و زمانیان، حسین. «بررسی فقهی رمزارزها با تمرکز بر اشکالات ناشی از واحد مبادله‌بودن و ساختار الکترونیکی آن‌ها»، اقتصاد اسلامی، دوره ۲۳، ش ۸۹، بهار ۱۴۰۲، ۳۳ تا ۵۳.

ترابی، مرتضی. تقریرات درس خارج فقه. <https://eshia.ir/feqh/archive/text/torabi/feqh2/99/990918> (دسترسی در ۱۳۹۹/۰۹/۱۸).

جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش. چاپ سی و پنجم، ۱۴۰۰.

سلطانی فرد؛ پژوهشی پیرامون مالیت «رمزارها» با نگاهی بر اندیشه فقهی امام خمینی (ره) ۸۱/

جواد آملی، عبداللّه. تقریبات درس خارج فقه.

<https://eshia.ir/feqh/archive/text/javadi/feqh/93/931007> (دسترسی در ۱۳۹۳/۱۰/۰۷).

جودمایر، الوشا؛ استیفر، نیکلاس؛ کرامپهولز، کاترین و گارویپ، اد. بلاکچین (معرفی بیت کوین، رمزارها و مکانیزم توافق به وجود آمدن آن‌ها). ترجمه مدیری و عظیم‌زادگان. تهران: پشتیبان. ۱۳۹۹.

جوهری، اسماعیل بن حماد. الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية. بیروت: دار العلم. چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
حاج آقابرگی، مهدی و عیوضلو، حسین. «بررسی مالیت انواع رمزارها و طبقه‌بندی آن‌ها بر اساس معیارهای اقتصاد اسلامی»، مطالعات اقتصاد اسلامی، دوره ۱۶، ش ۳۱، آبان ۱۴۰۴، ۴۶ تا ۶۱.

doi: ۱۰/۳۰۴۹۷/ies.۲۰۲۵/۲۴۴۵۵۳/۲۱۵۷

حاجی ملامیرزایی، حامد. بلاکچین. تهران: انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی. ۱۳۹۹.

حسینی عاملی، محمدجواد. مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة. قم: مؤسسة النشر الإسلامی. چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
حکیم، سیدمحسن. نهج الفقاهة. قم: ۲۲ بهمن. چاپ اول، بی‌تا.

خمینی، سیدروح‌الله. البیع. به‌تقریر حسن طاهری خرم‌آبادی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). چاپ اول، ۱۴۲۸ق.

خمینی، سیدروح‌الله. المکاسب المحرمة. قم: اسماعیلیان. چاپ اول، ۱۴۱۰ق.

خمینی، سیدروح‌الله. کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). چاپ اول، ۱۴۲۱ق.

خویی، سیدابوالقاسم. مصباح الفقاهة. به‌تقریر توحیدی تبریزی. قم: داوری. چاپ اول، ۱۳۷۷.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار القلم. چاپ اول، ۱۴۱۲ق.

سلطانی فرد، جواد، احمدعلی یوسفی، احمد محمدی. «بازپژوهی معناشناختی مال از منظر فقه امامیه»، فقه و اصول، دوره ۵۷، ش ۱۴۱، مرداد ۱۴۰۴، ۱۷۱ تا ۲۰۰.

doi: 10.22067/jfiqh.2024.81361.1550

شهید اول، محمدبن مکی. الدروس الشرعية فی فقه الإمامیة. قم: مؤسسة النشر الإسلامی. چاپ اول، بی‌تا.
شهیدی پور، محمدتقی. تقریبات درس خارج فقه.

<https://eshia.ir/feqh/archive/text/shahidi/feqh2/97/971103> (دسترسی در ۱۳۹۷/۱۱/۰۳).

صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد. المحيط فی اللغة. بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۴ق.

صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ هفتم، ۱۳۶۲.

صدر، سیدمحمدباقر. اقتصادنا. قم: بوستان کتاب. ۱۳۸۵.

عراقی، ضیاء الدین. حاشیه المکاسب. به تقریر نجم آبادی. تهران: الغفور. چاپ اول، ۱۳۷۹.
علوی و ثوقی، سیدیوسف، هادی غلامی. «نگاهی نو به ماهیت فقهی رمازرها و معاملات آن»، فقه اجتماعی، دوره ۱۱، ش ۲۲، شهریور ۱۴۰۲، ۳۳۷ تا ۳۵۸.

doi: 10.30497/sj.2023.244296.1238

عیوضلو، حسین، محسن رضایی، جواد نوری. «تحلیل فقهی-حقوقی مبادله ارزهای قابل استخراج در اقتصاد اسلامی»، اقتصاد اسلامی، دوره ۲۰، ش ۷۷، بهار ۱۳۹۹، ۱۸۳ تا ۲۱۰.
فراهیدی، خلیل بن احمد. کتاب العین. قم: هجرت. ۱۴۰۹ ق.

فضلی، حسن، مهدی چمندار، هادی زمردی. بلاک چین و رمازرها. تهران: ناقوس. ۱۳۹۸.
فیومی، احمد بن محمد. المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر. قم: دار الهجرة. چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
کاتوزیان، ناصر. اموال و مالکیت. تهران: میزان. چاپ پنجاه و چهارم، ۱۴۰۰.
محمودی، اصغر. «تحلیل ارزهای مجازی در پرتو فقه، حقوق و مطالعات تطبیقی»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۹، ش ۳، مهر ۱۳۹۸، ۵۰۳ تا ۵۲۲.

doi: ۱۰/۲۲۰۵۹/jlq.۲۰۱۹/۲۶۵۶۸۵/۱۰۰۷۰۹۵

مروی، جواد. فقه رمازرها. قم: مؤسسه انتشارات حوزه های علمیه. چاپ اول، ۱۴۰۱.
مطهری، مرتضی. نظری به نظام اقتصادی اسلام. تهران: صدرا. چاپ اول، بی تا.
مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان. بی جا: مؤسسه النشر الإسلامی. بی تا.

مکارم شیرازی، ناصر. تقریرات درس خارج فقه.

<https://eshia.ir/feqh/archive/text/makarem/mostahdeseh/72/720422> (دسترسی در ۱۳۷۲/۰۴/۲۲).

منتظری، حسینعلی. دراسات فی المکاسب المحرمة. قم: مکتب آیت الله العظمی المنتظری. ۱۴۱۷ ق.
مور، وارن. ارز دیجیتال برای مبتدیان. ترجمه روحانی. مشهد: دیده بان قلم فرتاک. ۱۴۰۱.
میثمی، حسین، زینب بیابانی. تحلیل ماهیت، استخراج و مبادله انواع رمازرها و توکن ها از منظر فقه اسلامی و قوانین کشور. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی. ۱۳۹۹.
میرزاخانی، رضا، حسینعلی سعدی. «بیت کوین و ماهیت مالی-فقهی پول مجازی»، جستارهای اقتصادی بارویکرد اسلامی، دوره ۱۵، ش ۳۰، مهر ۱۳۹۷، ۷۱ تا ۹۲.

doi: 10.30471/iee.2018.1555

میرزای شیرازی، محمدتقی. حاشیه المکاسب. بی جا: الشریف الرضی. بی تا.

سلطانی فرد؛ پژوهشی پیرامون مالیت «رمزارزها» با نگاهی بر اندیشه فقهی امام خمینی (ره) ۸۳/

نایینی، محمدحسین. المكاسب و البیع. به تقریر محمدتقی آملی. قم: مؤسسة النشر الاسلامی. چاپ اول، بی تا.
نایینی، محمدحسین. منیة الطالب فی حاشیة المكاسب. به تقریر موسی نجفی خوانساری. بی جا: المكتبة المحمدية.
بی تا.

نورمفیدی، تقریرات درس خارج فقه. <https://m-noormofidi.com> (دسترسی در ۱۴۰۲/۰۲/۲۷).
نورمفیدی، سیدمجتبی. تقریرات درس خارج فقه. <https://m-noormofidi.com> (دسترسی در ۱۴۰۱/۱۱/۱۱).
یوسفی، احمدعلی. ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۳۷۷.

<https://www.antiersolutions.com>

<https://www.coinbase.com>

<https://www.coinmarketcap.com>

<https://www.coinmarketcap.com>

<https://www.cryptoforinnovation.org>

<https://www.currencytransfer.com>

<https://www.finma.ch>

<https://www.ijtihadnet.ir>

<https://www.investopedia.com>

<https://www.kaspersky.com>

<https://www.ledger.com>

<https://www.osl.com>

<https://www.ramzarz.news>

<https://www.rc.majlis.ir>

<https://www.reuters.com>

Transliterated Bibliography

Qurān-i Karīm.

‘Alawī Vuṣūqī, Sayyid Yūsuf va Hādī Ghulāmī. "Nigāhī Nū bi Mahiyat Fiqhī Ramz Arz-hā va Mu‘āmalāt ān". *Fiqh Ijtima‘ī*, Durīh-yi 11, no. 22 (Shahrivar 2023/1402): 337-358.

Anṣārī, Murtaḍā ibn Muḥammad Amīn. *Kitāb al-Makāsib*. S.l: Tūrāth al-Shaykh al-A‘zam, s.d.

Āzādparvar, Mahdī, Muḥammad Fā’izī va Sayyid Ṣādiq Āzarīyān. "Barrisī Fiqhī Mālīyat Bitcoin dar Bastar

Fazāy Majāzi". *Fiqh va Ijtihād*, Durih-yi 6, no. 12 (Mihir 2020/1398): 127-143.

Bayātī, Muḥammad Ḥusayn, Muḥammad Šādiq Jāvidān va Ḥusayn Zamāniyān. "Barrisi Fiqhi Ramz Arz-hā bā Tamarkuz bar Ishkālāt Nāshī az Vāḥid Mubādilih Budan va Sākhātār Ilīktrūnikī ān-hā". *Iqtisād Islāmī*, Durih-yi 23, no. 89 (Bahār 2023/1402): 5-33.

Farāhīdī, Khalil ibn Aḥmad. *Kitāb al-ʿAyn*. Qum: Hijrat, 1989/1409.

Fayyūmī, Aḥmad ibn Muḥammad. *al-Miṣbāḥ al-Munīr fī Gharīb al-Sharḥ al-Kabir*. Qum: Dār al-Hijrah, Chāp-i Duwwum, 1994/1414.

Fazlī, Ḥasan, Mahdī Chamandār va Hādī Zumurudī. *Blockchains va Ramz Arz-hā*. Tehran: Nāqūs, 2020/1398.

Ḥājāqābuzurgī, Mahdī va Ḥusayn ʿIyvaḏlū. "Barrisi Māliyat Anwāʿ Ramz Arz-hā va Ṭabaqihbandī ān-hā bar Asās Miʿyār-hā-yi Iqtisād Islāmī". *Muʿālīʾāt Iqtisādī Islāmī*, Durih-yi 16, no. 31 (Ābān 2025/1404): 1-46.

Ḥājī Mulā Mirzāyī, Ḥamid. Blockchains. Tehran: Intishārāt-i University va Pazhūhishgāh ʿAlī Difāʾ Milli va Taḥqīqāt Rahburdī, 2021/1399.

Ḥakīm, Sayyid Muḥsin. *Nahj al-Faqāha*. Qum: 22 Bahman, Chāp-i Awwal, s.d.

Ḥusaynī ʿĀmulī, Muḥammad Javād. *Miftāḥ al-Karāmah fī Sharḥ Qawāʿid al-ʿAllāma*. Qum: Mūʾassisa al-Nashr al-Islāmī, Chāp-i Awwal, 1998/1419.

Ibn Abī Jumhūr. Muḥammad ibn ʿAlī. *ʿAwālī al-Laʾālī al-ʿAzīziyah fī al-Aḥādīth al-Dīniyah*. Qum: Dār al-Sayyid al-Shuhadā li-l-Nashr, Chāp-i Awwal, 1985/1405.

Ibn Āthīr, Mubārak ibn Muḥammad. *al-Nihāya fī Gharīb al-Ḥadīth wa al-Athar*. Qum: Ismāʿīliyān, Chāp-i Chāhārum, 1989/1367.

Ibn Manzūr, Muḥammad ibn Mukarram. *Lisān al-ʿArab*. Beirut: Dār al-Fikr. Chāp-i Sivum, 1994/1414.

Ilhām, Šādiq va Rizā Mirzākhānī. "Barrisi Fiqhi Māliyat dar Ramz Arz-hā". *Būrs Urāq Bahādār*, Durih-yi 16, no.1 (winter 2023/1402): 337-354.

ʿIrāqī, Ḍiyāʾ al-Dīn. *Hāshiya al-Makāsib*. bi Taqrīr Najmābādī, Tehran: al-Ghafūr, Chāp-i Awwal, 2001/1379.

Ḥirawānī, ʿAlī. *Hāshiya al-Makāsib*. Tehran: Kiyā, 1965/1384.

ʿIyvaḏlū, Ḥusayn, Muḥsin Rizāyī Šadrābādī, Javād Nūrī. "Tahlil-i Fiqhi-Ḥuqūqī Mubādilih-yi Arz-hā-yi Qābil Istikhraj dar Iqtisād Islāmī". *Iqtisād Islāmī*, Durih-yi 20, no. 77 (Bahār 2021/1399): 183-210.

Jaʿfarī Langirūdī, Muḥammad Jaʿfar. *Tirmīnūlūzhī Ḥuqūq*. Tehran: Kitābkhanah Ganj-i Dānish. Chāp-i Si

va Panjum, 2021/1400.

Javādī Āmūlī, ‘Abd Allāh. *Taqrīrāt Dars Khārij Fiqh*. dastras dar 2014/12/28; 1393/10/07.

Jawharī, Ismā‘īl ibn Ḥammād. *al-Ṣiḥāḥ Taj al-Lughā wa Ṣiḥāḥ al-‘Arabīya*. Beirut: Dār al-‘Ilm, Chāp-i Chāhārum, 1987/1407.

Judmayer, Aljoshā; [Nicholas Stifter](#), [Katharina Krombolz](#), [Edgar Weippl](#). *Blockchains (Mu‘arifi Bitcoin, Ramz Arz-hā va Mikānizm Tavāfuq bi Vujūd Āmadan ān-hā)*. Translated by Mudīrī va ‘Azīmzādīgān, Tehran: Pushtibān, 2021/1399.

Kātūziyān, Nāšir. *Amvāl va Mālīkiyat*. Tehran: Mizān, Chāp Panjāh va Chāhārum, 2021/1400.

Khū‘ī, Sayyid Abū al-Qāsim. *Miṣbāḥ al-Faqāhah*. Muqarr Muḥammad ‘Alī Tawḥīdī, Qum: Dāwarī, Chāp-i Awwal, 1998/1377.

Khumaynī, Sayyid Rūḥ Allāh. *al-Bay‘*. Muqarr Ḥasan Ṭāhīrī Khurāmābādī. Tehran: Mū‘assisah-yi Tanzīm va Nashr-i Āṣār-i Imām Khumaynī. Chāp-i Awwal, 2007/1428.

Khumaynī, Sayyid Rūḥ Allāh. *al-Makāsib al-Muḥarramah*. Qum: Ismā‘īliyān, Chāp-i Awwal, 1990/1410.

Khumaynī, Sayyid Rūḥ Allāh. *Kitāb-i al-Bay‘*. Tehran: Mū‘assisah-yi Tanzīm va Nashr-i Āṣār-i Imām Khumaynī. Chāp-i Awwal, 2000/1421.

Maḥmūdī, Aṣghar. "Taḥlīl Arz-hā-yi Majāzī dar Partū Fiqh, Ḥuqūq va Muṭālī‘āt Taṭbiqī". *Muṭālī‘āt Ḥuqūq Khusūṣī*, Durīh-yi 49, no. 3 (Mīhr 2020/1398): 503-522.

Makārim Shīrāzī, Nāšir. *Taqrīrāt Dars Khārij Fiqh*. dastras dar 1993/07/13; 1372/04/22.

Marvī, Javād. *Fiqh Ramz Arz-hā*. Qum: Mū‘assisah-yi Intishārāt Ḥawzah-hā-yi ‘Ilmiyah, Chāp-i Awwal, 2023/1401.

Mīrzākhanī, Rīzā va Ḥusayn ‘Alī Sa‘dī. "Bitcoin va Mahiyat Mālī-Fiqhī Pūlī Majāzī". *Justār-hā-yi Iqtisādī bā Rūykard Islāmī*, Durīh-yi 15, no. 30 (Mīhr 1977/1397): 71-92.

Miythamī, Ḥusayn va Zīnab Biyābānī. *Taḥlīl Mahiyat, Istikhrāj va Mubādilih-yi Anvā‘ Ramz Arz-hā va Tūkan-hā az Manzar Fiqh Islāmī va Qawānīn Kishvar*. Tehran: Pazhūhishkadih-yi Pūlī va Bānkī, 2021/1399.

Moore, Warren. *Arz Digital Barāy Muḥtadīyān*. translated by Rūḥānī, Mashhad: Dīdihbān Qalam Fartāk, 2023/1401.

Muntazirī, Ḥusayn ‘Alī. *Dirāsāt fī al-Makāsib al-Muḥarramah*. Qum: Maktab Āyat Allāh al-‘Uzmā al-Muntazirī, 1996/1417.

- Muqaddas Ardabili, Ahmad ibn Muhammad. *Majma' al-Fā'ida wa al-Burhān fī Sharḥ Irshād al-Adhhān*. S.l: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. s.d.
- Muṭaharī, Murtaḍā. *Nazarī bi Nizām Iqtisādī Islām*. Tehran: Šadrā, Čāp-i Awwal, s.d.
- Nā'inī, Muḥammad Ḥusayn. *al-Makāsib wa al-Bay'*. bi Taqrīr Muḥammad Taqī 'Āmulī, Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. Čāp-i Awwal, s.d.
- Nā'inī, Muḥammad Ḥusayn. *Munya al-Ṭālib fī Ḥāshiya al-Makāsib*. bi Taqrīr Mūsā Najafī Khuwānsārī, s.l. al-Maktaba al-Muḥammadiya, s.d.
- Nūr Mufidī. *Taqrīrāt Dars Khārij Fiqh*. dastras dar 2023/01/31; 1401/11/11.
- Nūr Mufidī. *Taqrīrāt Dars Khārij Fiqh*. dastras dar 2023/05/17; 1402/02/27.
- Rāghib Iṣfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad. *Mufradāt al-Allāz al-Qurān*. Beirut: Dār al-Qalam. Čāp-i Awwal, 1992/1412.
- Šadr, Sayyid Muḥammad Bāqir. *Iqtisādanā*. Qum: Mū'assisah-yi Būstān-i Kitāb, 2007/1385.
- Šāhib ibn 'Abād, Ismā'il ibn 'Abād. *al-Muḥīṭ fī al-Lughā*. Beirut: 'Ālim al-Kutub, 1993/1414.
- Šāhib Jawāhir. Muḥammad Ḥasan ibn Bāqir. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharāy' al-Islām*. Beirut: Dār Ihya' al-Tūrāth al-'Arabī, Čāp-i Haftum, 1984/1362.
- Shahīd Awwal, Muḥammad ibn Makkī. *al-Durūs al-Shar'iyah fī Fiqh al-Imāmiyah*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. Čāp-i Duwwum, s.d.
- Shahīdīpūr, Muḥammad Taqī. *Taqrīrāt Dars Khārij Fiqh*. dastras dar 2019/02/19; 1397/11/30.
- Shirāz Shirāzī, Muḥammad Taqī. *Ḥāshiya al-Makāsib*. s.l. al-Sharīf al-Raḍī, s.d.
- Sulṭānifard, Javād, Ahmad 'Alī Yūsufi va, Ahmad Muḥammadi. "Bāzpažūhī Ma' nāshinākhtī Māl az Manzar Fiqh Imāmiyah". *Fiqh va Uṣūl*, Durīh-yi 57, no. 141 (Murdād 2025/1404): 171-200.
- Turābī, Murtaḍā. *Taqrīrāt Dars Khārij Fiqh*. dastras dar 2020/12/08; 1399/09/18.
- Yūsufi, Ahmad 'Alī. *Māhiyat Pūl va Rāhburd-hā-yi Fiqhī va Iqtisādī ān*. Tehran: Pažūhishgāh Farhang va Andishih-yi Islāmī, 1998/1377.